

شنبه • ۱ بهمن ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۳۳ • ۷

روزنامه		
جهان · اندیشه · موسیقی		
«لیبرالیسم سیاسی» جان رالز و الکوی «قانون ملل»		صفحه ۸
حاتمی، «ساز» را با سینما به مردم نشان داد		صفحه ۹
احیای تالاب «گاوخونی»، معطل ۳۰ کیلومتر لوله‌گذاری		صفحه ۱۰

کم نما	یادداشت
سانسور بحران سوریه در سازمان ملل هفته گذشته در میان اخبار داغ نحوه اجرایی‌شدن توافق ژنو میان تهران و گروه ۵+۱، تلاش‌های چندجانبه برای برگزاری نشستِ دیگر در ژنو میان دولت سوریه و مخالفانش به‌همراه کشورهای درگیر، خیانت چندباره رئیس‌جمهور فرانسه هم‌زمان با اعلام سیاست‌های تازه اقتصادی، ادامه تآر امی‌ها در خاورمیانه هم‌زمان با همه‌پرسی قانون اساسی مصر و آغاز دادگاه ترور حریری در لبنان، ادامه تظاهرات تایلند و اوکراین، اعلام اصلاحات جزئی قوانین جاسوسی آمریکا و البته ادامه «جنگ‌های» پیچیده میدانی در سوریه؛ خبرهایی هم با وجود اهمیت کم‌نما ملنند. مهم‌ترین اینها وابسته به همین جنگ سوریه است؛ بزرگ‌ترین بحران انسانی جهان. هفته گذشته بنگاه خبر پرآکنی بریتانیا، بی‌بی‌سی، خبر از اسنادی محرمانه از سازمان ملل داد که به دستش رسیده که نشان‌دهنده آن است که رساندن غذا به ۵/۵میلیون شهروند سوریه بسیار دشوار شده است. شوریخ‌ناته ژرفای فاجعه دیگر برای کسی جای شگفتی نگذاشته، اما آنچه عجیب است محرمانه‌بودن اسناد مربوط به یک بحران انسانی است. همان‌روها، یکی از نویسندگان فارین‌پالیسی در مقاله‌ای به نکته جالب دیگری همسو با این رخداد اشاره کرد. خبرگزاری IRIN که از سوی سازمان ملل متحد تأمین مالی می‌شود در وبسایتش فجایع انسانی در حال وقوع را فهرست داده است؛ کار کودکان در زمبیلویه بیکاری در سریلانکا، کشتار ژلادگراییه در سودان جنوبی و آفریقای جنوبی، خبری اما از اطلاعات به‌روزشده از بحران سوریه نیست. آیا سازمان ملل که خود پیگیر گردآوری کمک ۵/۵میلیارددلاری برای این بحران است در حال سانسور جزئیات آن است؟ چرا؟ محرمانه‌بودن اسناد را می‌توان به حساب همان رویکردی گذاشت که در گزارش کاربرد سلاح‌های شیمیایی به کار رفت. آن گزارش چون بنا بود با توجه به فشار افکار عمومی علنی شود، نوشته‌هایی تقریباً خام را ارائه داد بدون آنکه مستقیماً مقصر را معرفی کند. حالا در گزارشی که عموماً توجه کمتری را دریافت می‌کند، سهم طرفین ماجر محرمانه می‌شود تا راه دیپلماتیک‌بار بماند. سازمان‌ملل امیدوار است با ادعای بی‌طرفی به امکان کمک به بحران‌زدگان دسترسی بیشتری پیدا کند. مساله این است که برخی از اعداد و ارقام سند هم محرمانه مانده بودند. این آیا شیوه درستی برای حل بحران است؟ تا حالا چنین سبکی مگر چه میزان جواب داده است؟ اینها به کنار، خبرگزاری وابسته به دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان‌ملل با چه هدفی به سانسور اخبار سوریه می‌پردازد؟ جالب است که این سازمان از نوامبر ۲۰۱۳ به روزنامهنگاران فشار می‌آورده که هیچ خبری درباره بحران سوریه کار نکنند؛ خبرانی که جان بیش از صدهزار نفر را گرفته و میلیون‌ها نفر را از خاک سوریه آواره یا در دیگر کشورها پناهنده کرده است. بهانه عمدتا هراس از تأثیرپذیرفتن کمک‌های انسانی است، اما داستان ویرای اینهاست. سابقه سازمان‌ملل نشان می‌دهد که روزگالیسم پیوسته به آن باید تا جای ممکن از اموری که ممکن است جنجال‌برانگیز باشند دوری کند و این حکایت غربی است در سازمانی که از مدافعان پیمان‌نامه حقوق‌بشر است. اصلاً آژانس IRIN، آژانس شبکه‌های اطلاعاتی منطقه‌ای یکپارچه، در سال ۱۹۹۵ بنیان گذاشته شد تا در های‌وهوی اخبار گوناگون، بحران‌های انسانی را از یاد نبرد و آنها را کانون توجه خود سازد. در سال ۲۰۰۸، جان مملر، هماهنگ‌کننده کمک‌های اضطراری سازمان ملل اعلام کرد که IRIN مستقل عمل می‌کند و چارچوب‌های خود را دارد، گرچه اهداف دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان‌ملل متحد را مهم می‌داند اما سیاست‌های تحریریه آن بنای حمایت از عملکرد این سازمان را ندارد. ولی حالا انکار اوضاع فرق کرده است و این پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت. تصور فرمان‌پذیری یک خبرگزاری مسوول گزارش بحران از مقامات مسوول حل بحران که ممکن است نتوانهند همه‌چیز آشکار باشد بدون تردید بد است؛ هم برای کوشندگان خوش‌نیت حل بحران و هم برای بحران‌زدگان. گاهی بحرانی ممکن است به‌دلیل درک‌نویان توجه‌فرانگرتن حل‌نشده بماند و گاه به‌خاطر عادی شدنش، در هر دو صورت وظیفه رسانه‌های مستقل است که آگاهی‌بخش باشند بدون مصلحت‌اندیشی برای مقامات دولتی یا غیردولتی. فارین‌پالیسی به‌نقل از جان ایگلند، دیگر هماهنگ‌کننده سابق کمک‌های اضطراری سازمان‌ملل، می‌نویسد: «بخش زیادی از آنچه از سوی سازمان‌ملل منتشر می‌شود، ملال‌آور است چون فقط پروپاگانداست. در سوریه واقعیت این است که کاری پیش نرفته است. ما قادر نبوده‌ایم به مردم تحت محاصره کمک کنیم. هم دولت و هم مخالفان مانع کمک‌های سازمان‌ملل هستند و این را همه باید بدانند.» هفته گذشته یک خبر دیگر هم داشت که باوجود اهمیت کم‌نما ماند و کمتر در رسانه‌ها نمایانده شد؛ خبری که خوب بود و به بدترین شکل ممکن می‌توان آن را به خبر سانسور عمق فاجعه سوریه پیوند زد. هفته پیش آمار میزان حملات درذن درایی در سال ۲۰۱۳ در رسانه‌ها ژانپ یافت. بر اساس اعلام دفتر بین‌المللی ناوگان دریایی، در سال گذشته میلادی، ۲۶۴۰۰دزدی دریایی روی داده که حاکی از کاهش ۴۰درصدی چنین حملاتی است و در ادامه کاهش تند سال‌های اخیر. این افت عمدتاً مدیون همکاری‌های بین‌المللی است. نکته جالب آن است که وقتی پای پول در میان باشد توافق‌ها آسان‌ند، درست وارونه سوریه دو داستان از تقریباً هیچ چشونه‌ای قابل‌مقایسه نیستند اما به قول جاشوا کیتینگ، کارشناس مسائل بین‌الملل، «غربی‌ها جقدر سریع و جقدر موثر می‌توانند درباره تهدیدی امنیتی در جهان در حال توسعه دست‌به‌دست هم دهند، وقتی کسانی از مردم آنجا دارند از ما چیزی می‌دزدند و نه از خودشان،» با این‌همه و با وجود این هشدارها، نباید اقدامات مثبت سازمان‌ملل را هم از خاطر برد. در کنار دهها کمک‌های انسانی، پیشگیری از جنگ‌ها و پشتیبانی از برابری مذهبی، جنسیتی و نژادی؛ همین فته‌های وادار کردن و آگاهان به تحرک علیه مقامات مذهبی منحرف پس از سال‌ها - درواقع دهها و دهها- اقدام کوچکی نبود. مارتین لوتر کینگ جایی گفته بود که «اگر نمی‌توانید پرواز کنید نبودید، اگر نمی‌توانید بنوبد کام بردارید، اگر نمی‌توانید کام بردارید سینه‌خیز بروید. هر کار می‌کنید مهم آن است که به پیش‌قدمان داده دهید.» سازمان ملل شاید نتواند یا نخواهد پرواز کند، اما بی‌تردید سینه‌خیز هم نمی‌رود.	ژن مقاومت حسین احمدی‌نیا انگار اردوغان و حزب عدالت و توسعه از ژن خاصی برای مقاومت در برابر ناملایمات برخوردار است. حزب و تشکیلات سیاسی او تنها حزب و گروهی است که بدون کودتا و حوادث متعدد توانسته است تا این میزان در قدرت ماندگار شود. این ماندگاری او و حزیش در قدرت تمامی احزاب رقیب را به‌شدت عصبانی کرده است. اردوغان با جدیت کامل توانست در انقلاب بهار عربی از کشورهای درگیر بهار عربی از تونس تا لیبی از مصر تا سوریه از تغییر دفاع و پشتیبانی کند اما شاشن در بعضی موارد از جمله در سوریه و مصر با او همراه نبود. اما او انگار ننه انگار هیچ خدای اتفاقی نیفتاده است. او از روز اول تلاش وافری برای رهبری جهان اسلام انجام داد. اردوغان خود را مانند سلطان سلیمان تصور می‌کرد و سعی برای تمرکز بر اسلام ترکی داشت. از سوی دیگر در جریان پیوستن به اتحادیه اروپا چند سالی را با قهر سپری کرد اما در نهایت با دست‌کشیدن از لیحات آناتولی خود گام‌های مثبتی برداشت. در بعد داخلی او از یک‌سوی اقدام بزرگی برای برداشتن قاصله کرد و ترک برداشت. وارد مذاکره با اوچالان و صلح با رقیب سرسخت خود پ.ک.ک شد. در جریان سفر مسعود بارزانی به دایرکر دیوار بلند بی‌اعتمادی بین کرد و ترک را شکست. از سوی دیگر او با موفقیتی بحران پاک‌گری عبور کرد. بحران کودتا و تلاش برای سقوط او ره به‌جایی نبرد. احزاب لاییک رقیب او از هیچ تلاشی برای شکست‌دادن او کوتاهی نکردند. اما او همچنان سخت و پوست‌کلفت در میدان باقی مانده است. در آخرین رسوایی ترکیه که به حذف ۱۰ وزیر کلیدی منتج شده است او بازمهر در برابر همگان قدرتمند باقی مانده است. انگار نه انگار.



کسب و کارهای بزرگ داشتند، هم‌زمان بسیاری از مردم روسیه از فقر رنج می‌برند. در نتیجه مردم الیگارشی‌هایی مثل شما را دوست ندارند. منظورم این است که شما خودتان آدم خوبی هستید ولی مردم کسانی مثل شما را دوست ندارند. اگر به عقب برگردید، آیا کار دیگری می‌کنید؟ در روسیه انواع مختلف الیگارش داشتیم. بعضی از آنها سبک زندگی خیلی لوکسی دارند. بعضی‌های دیگر تولیدکننده هستند و همه پول‌هایشان را در تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند. این بستگی دارد که به چه چیز بیشتر علاقه دارند. من همیشه به تولید علاقه داشتم. ما اینکه تولیدکننده صرف بودن اشتباه بزرگی بود و من باید بیشتر خودم را با مشکلات مردم درگیر می‌کردم و این اشتباهی است که هیچ‌گاه خود را به خاطرش نخواهم‌بخشید. ✎ درسال ۲۰۰۰ ولادیمیر پوتین با همه الیگارش‌ها که شما هم یکی از آنها بودید دیدار کرد و معامله‌ای با آنها کرد: ما فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی شما را پنهان می‌کنیم در عوض شما هم به سیاست کاری نداشته باشید. ولی شما معامله را رد کردید و به اپوزیسیون کمک مالی کردید و سیاسی بودید. به نظر می‌رسد شما آنها را تشجیع کردید که به دنبال شما بیایند. زدن این حرف که شما نباید در امور سیاسی مشارکت کنید از طرف رئیس‌جمهوری چون پوتین آن‌هم به تجار بزرگ کشور مسخره بود. ✎ حالا که وارد سیاست شدید برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟ نمی‌توانم الان بگویم که از الان چه برنامه‌ای دارم. ولی شما نباید آزادی مرا نمادی از آزادی همه زندانیان سیاسی تصور کنید. بیشتر دوست دارم نمادی باشم از اینکه تلاش جامعه می‌تواند به آزادی کسانی منجر شود که انتظار آزادی‌شان نم‌رود. ✎ ما نگران فقر شما باشیم؟ منظورم این است که خارج از روسیه پولی دارید؟ نه من فقیر نیستم و بابت به‌دست‌آوردن پول نگرانی ندارم. به همین دلیل می‌توانم وقتم را به مسایل جامعه‌مدنی اختصاص دهم. اما روشن است که این به آن معنا نیست که می‌توانم اسپانسر اپوزیسیون باشم، مثل آن موقعی که یوکوس را داشتم. مطمئناً من دیگر چنین منابعی ندارم. ✎ شمالاًن ۱میلیارد هستند؟ ننه؛ اگر میلیارد در بودم جرمیه‌های مربوط به طرح دعوی را پرداخت می‌کردم و می‌توانستم آزادانه به روسیه بروم. ✎ آیا ولادیمیر پوتین را بخشیده‌اید؟ به نظر من این انتقام شخصی پوتین بود و رفتاری عقلمانی نبود و اگر چیزی عقلمانی نباشد من نمی‌توانم با آن کنار بیایم. ✎ اما شما از این فراتر رفتید. برای روسیه‌ای آزاد باید شخصیتی مثل ماندلا داشته باشیم. آیا چنین چیزی در روسیه امکانپذیر است؟ من متقاعد شدم‌ام اگر نخواهیم دوباره به دور باطل اقتدارگرایی بیفتیم، این تنها راهی است که داریم. ✎ دنیا با آن وقتی که به زندان افتادید خیلی فرق کرده است. بعد از آزادی چه چیز بیشتر از همه مایه شگفتی شما شد؟ من همیشه به کامپیوتر علاقمند بودم، ولی در حوزه پیشرفت‌های فنی چیزی که بیش از همه مرا تحت‌تاثیر قرار داد پیشرفت در تکنولوژی LED بود. گرچه احتمالاً برای اغلب مردم جالب نباشد، ولی فوق‌العاده است. ✎ اخبار الکتریکی مورد علاقه شما چیست؟ حس در بزیندا قطعاً آید.	خودور کفسکی در مصاحبه با کریستین امانپور: «پوتین» انتقام شخصی گرفت ترجمه: مریم امیری
--	--

خاصی گذاشته‌بود؟

نه تقریباً برعکس بود. پوتین بارها علناً اعلام کرده بود که حاضر است مساله عفو مرا بررسی کند به شرط اینکه من نگاه‌کاری خودم را بپذیرم. این شرط کاملاً غیرقابل قبول بود.

✎ **پس شما هیچ جرمی را قبول نکردید؟**

برای من یک موفقیت بود که این‌بار پوتین هیچ شرطی نگذاشت.

✎ **زندگی در زندان چگونه بود؟ غذا چطور بود؟ هم‌سول‌های چطور بودند؟**

اتاق بزرگی بود که ۵۰ تا صدنفر یا بیشتر در آن بودند. همه‌چیز بد بود.

✎ **خشونت درون زندان در خیلی جاهای دنیا امری رایج است. آیا شما با چاقو مورد حمله قرار گرفتید؟**

بله و وقعا شانس آوردم می‌خواستند به چشمم چاقو بزنند ولی موفق نشد و فقط دماغم را زخمی کرد. خوشیخ‌ناته دندانپزشکی که آنجا بود جراح پلاستیک هم بود. در نتیجه دماغم را عمل کرد و الان چندان به چشم نمی‌آید.

✎ **چطور از پس این شرایط برآمدید؟ چطور جسم و روحتان را در امان نگه داشتید؟**

زندان را خیلی برای خودم بزرگ نمی‌کردم.

✎ **اما یک‌بار خودتان گفته بودید ممکن بود خودکشی کنید؟**

(می‌خندد) من این را واقعاً گفته‌ام! شاید حقیقت داشت. اگر قبل از اینکه به زندان بروم چنین آینده‌ای را می‌دیدم، شاید از عهده‌اش برنمی‌آمدم.

✎ **آیا اجازه بازگشت به روسیه را دارید؟ و آیا خیال بازگشت به روسیه را به این زودی‌ها دارید؟**

دعوی سستگینی علیه من در جریان است. با وجود اینکه دادگاه اروپا گفته است این دعوی غیرقانونی است، دیوانعالی روسیه هنوز آن را لغو نکرده است. براساس قانون ما من نمی‌توانم بار دیگر از روسیه خارج شوم. از طرفی ما در برلین بازمی‌گردد تا مالجائش را ادامه دهد بنابراین نمی‌توانم چنین ریسکی کنم و به روسیه بازگردم.

✎ **حالا که حرف خانواده‌تان شد، فداکاری خیلی بزرگی بود. شما ۱۰سال از دیدار خانواده محروم بودید. شما به این هزینه‌ای که خانواده‌تان پرداختند چه واکنشی دارید؟**

(اندکی سکوت) این دین بزرگی به گردن من است که مطمئن نیستم بتوانم جبران‌ش کنم. (بخش می‌کند)

✎ **خیلی احساسی برانگیز است؟**

بله.

✎ **خب پس بگذارید سوال دیگری ببرسم. به‌نظر شما چرا ولادیمیر پوتین شما را در این مقطع خاص زمانی عفو کرد و اجازه داد از کشور خارج شوید؟**

من هیچ اطلاعی در این‌باره ندارم. هیچ فرضیه‌ای ندارم ولی شاید دلایلی مربوط به سیاست داخلی، پوتین را مجبور کرد مرا آزاد کند مثلاً برای آوازه کشور به‌عنوان دولتی دموکراتیک. یا اینکه او در این‌باره کارهایی کرد مثلاً حرف‌زدن با رسانه‌های بین‌المللی. به نظر من تصمیم درباره من در چنین زمینه‌ای اتخاذ شد.

✎ **به نظر شما می‌تواند با المپیک سوچی هم مرتبط باشد؟**

قطع می‌توانم بگویم که شاید به خاطر بازی‌های المپیک و اجلاس سران گروه ۸ که به میزبانی روسیه بر گزار می‌شود، روسیه باید «جناب‌آ» جلوه کند.

✎ **بگذارید به روزهایی که یوکوس را داشتید بازگردیم و حتی پس از آن. اجازه دهید رورواست باشیم. در همان روزهایی که شما قرار دادهای بزرگ می‌بستید و**

کمتر کسی آزادی میکایل خودور کفسکی از زندان را پس از یک‌دهه پیش‌بینی می‌کرد. او الیگارش معروف روسی و صاحب شرکت نفتی «یوکوس» بود. در سال ۲۰۰۳، همان سالی که دستگیر شد، با ثروتی بیش از ۱۵میلیارد دلار و در حالی که ۴۰سال بیشتر نداشت، ثروتمندترین مرد روسیه بود. او بلافاصله پس از آزادی به آلمان رفت و به خانواده‌اش پیوست. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه می‌گوید او را به دلایل انسانی آزاد کرده است. زیرا مادرش مبتلا به سرطان است و به حضور خودور کفسکی در کنارش نیاز دارد. الیگارش سابق فاصله اکتبر ۲۰۰۳ تا سپتامبر ۲۰۱۳ را در زندان گذراند. او هیچ‌گاه اتهام دزدی و پولشویی که به خاطر آن محکوم شده است را نپذیرفت. بسیاری از روس‌ها هم معتقدند محکومیت او دلایل سیاسی داشته است. او مانند خیلی‌های دیگر در دوران پس از فروپاشی شوروی و در زمان ریاست‌جمهوری بوریس یلتسین، ثروت خود را از راه «نامشروع» و با زد و بند سیاسی به دست آورد ولی علیه پوتین شورید و از ثروتش برای تغذیه اپوزیسیون روسیه استفاده کرد. به همین دلیل کسی باور نمی‌کند وقتی الیگارشی‌هایی چون او در روسیه فرووانند و به‌عنوان تاجران موفق ستایش می‌شوند، زندانی کردن او دلیل سیاسی نداشته باشد. برخی معتقدند آزاد کردن او توسط پوتین، برای این است که در آستانه المپیک سوچی، تصویر مطبوعی از دولت روسیه ارائه شود. برخی دیگر می‌گویند پوتین آنقدر به خودش مطمئن است که می‌داند دیگر نه در داخل و نه در خارج از کشور، دولتش را خطری تهدید نمی‌کند.

در سال ۲۰۰۳ دولت روسیه پس از تعیین سطح مالیات، از شرکت یوکوس، ۲۷میلیارد دلار مالیات خواست. از آنجایی‌که ثروت این شرکت در این اثنا توسط دولت توقیف شده بود، یوکوس نتوانست حجم مالیات تعیین‌شده را تسویه کند. اول آگوست ۲۰۰۶ دادگاه روسیه، شرکت یوکوس را ورشکست اعلام کرد. بخش اعظم ثروت یوکوس به قیمت نازل به شرکت‌های نفتی دولتی فروخته شد. شورای پارلمانی اروپا این سازوکار روسیه علیه یوکوس و صاحبان آن را که به دلایل سیاسی صورت گرفته بود محکوم و مغایر با قوانین حقوق بشر اعلام کرد.

او حالا پس از یک‌دهه زندان آزاد شده و می‌گوید دیگر نمی‌خواهد وارد سیاست شود. گفت‌وگوی کریستین امانپور از شبکه خبری سی‌ان‌ان، نخستین مصاحبه ورودروری خودور کفسکی پس از آزادی محسوب می‌شود. امانپور برای این گفت‌وگو به برلین و به هتل محل اقامت او رفته است.

✎ **آزادی پس از ۱۰سال زندان چه حسی دارد؟**

نمی‌توانم بگویم از آزادی محروم بودم فقط حس می‌کنم این ۱۰سال اصلاً اتفاق نیفتاده است. من دقیقاً ۱۰سال پیش هم اینجا در این هتل بودم. حالا دوباره اینجا هستم. انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده است.

✎ **شما اینجا بودید بعد به روسیه رفتید و دستگیر شدید؟**

این آخرین سفر من نبود. اما حقیقا قبل از آن بود.

✎ **چطور آزاد شدید؟ آیا از پوتین درخواست عفو کرده بودید؟**

من خودم هم دقیقاً نمی‌دانم چرا آزاد شدم. من نامه‌ای رسمی نوشتم و گفتم ۱۰سال در زندان بوده‌ام و حالا می‌خواهم آزاد شوم. من در آن نامه برای پوتین توضیح دادم که چرا این چند ماه باقیمانده برآیم مهم است. من آن نامه را واسطه ماه نوامبر نوشتم. آن‌موقع مادرم اینجا در برلین در یک کلینیک درمان سرطان بود. من نمی‌دانستم واقعا چه اتفاقی برایش می‌افتد. خدا را شکر او الان بهتر است. او حتی می‌خواست برای کریسمس به مسکو بیاید.

✎ **آیا آزادی شما یک معامله نبود؟ مثلاً پوتین و دولتش برای آزادی شما شرط**

بر اساس گزارش‌های رسیده از افغانستان پلیس این کشور اخیراً دختر افغان ۱۰ساله‌ای به‌نام «سپوزمی» را که به خود بمب بسته و قصد انجام حمله انتحاری در نیروگاه پلیس در منطقه‌ای به‌نام خان‌نشین را داشته، دستگیر کرده است. اگرچه پیش از این نیز نیروهای افغان در حملات انتحاری محدودی از وجود زنان استفاده کرده‌اند اما این اولین‌باری است که گزارش می‌شود این نیروها دختری ۱۰ساله را مجبور به انجام حمله انتحاری کرده‌اند این درحالی است که پیش از این نیز هم گزارش‌هایی مبنی بر استفاده گروه‌های افراطی از کودکان جهت انجام عملیات انتحاری دیده شده است. مثلاً باوم و جان هرگن از اساتید مطالعات امنیتی دانشگاه ماساچوست هستند. آنها برای انجام تحقیقاتی پیرامون به‌کارگیری کودکان جهت انجام اعمال تروریستی، آن‌موقع مادرم اینجا در برلین در یک کلینیک درمان سرطان بود. دانشگاه ماساچوست می‌گویند بر اساس مطالعاتی که از سال گذشته روی کودکانی که برای انجام حملات انتحاری در پاکستان انتخاب شده‌اند آغاز کردند، اکثر کودکانی که تحت حمایت مرکز بازپروری سسیون (مرکز بازپروری و آموزش پاکستان برای شبه‌نظامیان کودک) بوده‌اند توسط بستگان آنها که از اعضای طالبان بوده‌اند، برای انجام حملات انتحاری انتخاب شده‌اند.

بر اساس تحقیقات این دو استاد تقریباً در همه موارد مورد مطالعه کودکانی که برای انجام حملات انتحاری انتخاب می‌شوند درباره آنچه که باید انجام دهند و پیامدهای آن بی‌اطلاع هستند و دسته معدودی هم که از ماجرا آگاهی دارند دچار تردید جدی برای انجام این کار می‌شوند و به‌همین دلیل در اغلب موارد به آنها داروهایی داده می‌شود که آنها را برای انجام عملیات انتحاری آماده کند در این میان تعدادی از این کودکان نیز در لحظه آخر تصمیم خود را عوض کرده و به مرکز توانبخشی سیون پناه می‌آورند. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، فریب‌دانش کودکان برای انجام حملات